



## شماره شصت: ۳۱۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	.....مرور بحث گذشته
۲	.....بررسی استحباب ترک کذب در دفع ضرر
۲	.....دلیل اول
۳	.....بررسی روایت از لحاظ سند
۳	.....بررسی روایت از لحاظ دلالت
۳	.....احتمالات در روایت
۳	.....احتمال اول
۴	.....احتمال دوم
۴	.....احتمال سوم
۴	.....احتمال چهارم
۴	.....جمع بندی
۴	.....نظریه ی شیخ (ره)



## مرور بحث گذشته

به عنوان مبنای بحث مطالبی را بحث کردیم. گفتیم دفع ضرر با کذب جایز است، یعنی اینکه مستحب است، تحمل نکند و دروغ نگوید یا اینکه تحمل نکند و دروغ بگوید. یعنی آیا ترک کذب، مستحب است.

## بررسی استحباب ترک کذب در دفع ضرر

شکی نیست که در مواردی همچون قتل، کذب واجب است. زمانی ترک کذب مستحب است که جواز عام داشته باشیم. یعنی برای دفع ضرر می شود دروغ گفت، نه اینکه واجب باشد. در جاهایی که جواز به معنای عام است، الزام نیست که دروغ بگوید، بلکه جایز است. آیا در اینجا می توانیم بگوییم که تحمل ضرر و ترک کذب مستحب است؟ آیا چنین قاعده ای را به صورت کلی می توان پذیرفت؟ این سؤال برای زمانی است که جواز به شکل عام است. هر جا که واجب باشد، مثل باب قتل غیر از امور اعتقادی، الزامی نیست که دروغ بگوید بلکه جایز است. دلایلی آمده است که ترک کذب مستحب است. درست است که در مواردی آمده است برای دفع ضرر، جایز است کذب بگوید.

برای احتمال اول علت این است که تحمل ضرر و ترک کذب مستحب است. برای این امر چند دلیل می توان آورد.

## دلیل اول

دلیل اول، در مکاسب در سخنان شیخ آمده است. حکمت ۴۵۸ نهج البلاغه دلیل اول است:

«قَالَ ع: علامة الإيمان أَنْ تُؤْثِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ - عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ - وَ أَلَّا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ - وَ أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ»

نشانه ایمان آن است که راست بگویی، آنگاه که تو را زیان رساند، و دروغ نگویی که تو را سود رساند و آن که بیش از مقدار عمل سخن نگویی، و چون از دیگران سخن گویی از خدا بترسی

در نشانه ای اول می گویند: کسی که به خاطر دفع ضرر کذب نمی گوید تا به او سود برسد. تمسک به این علامت اول شده است. یعنی هر جا امر دایر شد بین صدق مضر و کذب نافع، علامت ایمان است که صدق مضر باید بگوید. از این روایت می توان استفاده کرد که صدق مضر، استحباب دارد.



در این روایت نکاتی وجود دارد.

## بررسی روایت از لحاظ سند

از لحاظ سند، اعتباری ندارد. حکمت‌های نهج‌البلاغه، سند خاصی ندارد. مطمئناً این نیز سند خاصی ندارد. غالباً در حکمت‌ها و غرر سندی ندارند. در خطبه‌ها و نامه‌ها، سندی وجود دارد. البته اگر بگوییم که در نهج‌البلاغه آمده است نمی‌شود از آن عبور کرد، باید توجه شود.

## بررسی روایت از لحاظ دلالت

در بحث دلالت باید ببینیم که مضر و نافع به چه معنا آمده است. در این قسمت دو نظریه وجود دارد. در روایت می‌فرماید: صدق مضر را بر کذب نافع ترجیح دهید و این نشانه‌ی ایمان است.

ضرر دو معنا دارد. ضرر به معنای خاص که مقابل نفع است یعنی خسارت، از دست دادن چیزی است. معنای دیگر ضرر یعنی شامل عدم نفع می‌شود. این استعمال ضرر در معنای دوم و عام وجود دارد.

در نفع نیز دو معنا وجود دارد. گاهی نفع به معنای خاص است یعنی بر سرمایه افزوده شده است و گاهی نفع به معنای عام است یعنی شامل جایی است که ضرر از او دفع شده است. همین‌که ضرر نکرده است، یک نوع نفع است.

ضرر و نفع، دو استعمال دارند. به معنای خاص، ضرر یعنی کاسته شدن و نفع یعنی افزوده شدن. این‌ها تقسیم‌های همدیگر هستند. یکی نقص است و دیگری زیاده است.

این دو به معنای عام نیز گفته می‌شود. ضرر به معنای عدم نفع و نفع به معنای عدم ضرر است.

## احتمالات در روایت

این روایت صدق ضرر را بر کذب نافع را در مقابل هم قرار داده است.

### احتمال اول



## شماره ثبت: ۳۱۲۴

احتمال این است که ضرر و نفع به معنای خاص آمده است. اگر این احتمال باشد، تقابل بین ضرر به معنای خاص و نفع به معنای خاص است. یعنی امر دایر بر این است که راست بگوید و سرمایه‌اش کاسته بشود، یا دروغ بگوید و سرمایه‌اش افزوده شود. از ظاهر روایت این احتمال استنباط نمی‌شود.

### احتمال دوم

ضرر را خاص بگیریم و نفع را به معنای عام بگیریم. در این صورت معنای روایت می‌شود: به اضافه امر بالا، امری دیگری نیز مشمول می‌شود، امر دایر بین این است که راست بگوید و مالش برود و یا دروغ بگوید و مالش را حفظ بکند. در اینجا چیزی اضافه به دست نمی‌آورد بلکه مالش را حفظ می‌کند. اگر احتمال دوم را بگیریم، معنا اعم از صورت اول می‌شود. هم جایی را می‌گیرد که ضرر و نفع را به معنای خاص باشد همچنین ضرر را به معنای خاص و نفع را به معنای عام می‌گیرد.

در ظاهر کلام مرحوم شیخ (ره)، چنین احتمالی است.

### احتمال سوم

این احتمال را آقای خوبی (ره) می‌فرمایند: ضرر را به معنای عام بگیریم و نفع را به معنای خاص بگیریم. یعنی ضرر به معنای عدم نفع است. در نتیجه صدقی که در آن ضرر است یا سودی نیست. یعنی اگر راست بگوید، سودی نمی‌برد و اگر دروغ بگوید سود می‌برد.

### احتمال چهارم

در این احتمال هر دو را به معنای عام بگیریم. این احتمال را کسی تاکنون نگرفته است.

### جمع‌بندی

چون معنای ضرر و نفع دو شکل دارد، ۴ وجه و احتمال پیدا خواهد کرد. این چهار احتمال را عرض کردیم. هر جار ضاری با نفعی صدق بالمعنی العام، تقابلی پیدا کند، آن صدق ضار را بر کذب نافع مقدم می‌دارد. شامل‌ترین معنا احتمال چهارم است. محدودترین احتمال، اول است. جایی است که بین نفع و خاص محدود است. احتمال چهارم تمام صور احتمالات را می‌گیرد.

### نظریه‌ی شیخ (ره)

مرحوم شیخ (ره) احتمال دوم را مدنظر قرار داده‌اند. یعنی صدق ضار به معنای خاص را مقدم بر کذب نافع می‌دارند. اگر حمل بر این بشود یک قاعده استخراج می‌شود. صدق مضر به معنای خاص مقدم بر این است که دروغ بگوید و ضرر یا دفع ضرر نکند.



## شماره شصت: ۳۱۲۴

احتمال دوم، منطبق بر بحث ما است. یعنی یا راست می‌گویی و دزد مال را می‌برد و یا دروغ می‌گویی و مال محفوظ می‌ماند. علیرغم اینکه جایز است دروغ بگویی، بهتر این است که دروغ نگویند و متحمل ضرر بشوی. شیخ (ره) این عموم و شمولی را پذیرفته است. شیخ معنا را احتمال دوم پذیرفته است اما این را حمل بر ضرر یصیر کرده است. یعنی عرفاً این منصرف به ضرر یصیر است.

این احتمال، با روایات طایفه اولی تناقضی ندارد، چون آن‌ها نیز جواز را داده‌اند. به فرمایش شیخ (ره) چند اشکال وارد شده است: ۱. آقای خوبی و آیت‌الله تبریزی (ره) مورد مناقشه قرار داده‌اند. آقای خوبی می‌فرمایند: ضرر را نمی‌توان حمل بر معنای خاص بکنیم. ما معنای عام نیز داریم. اینجا ضرر یعنی عدم نفع است. اگر بر آن حمل بکنیم، ارتباطی با بحث ما پیدا نمی‌کند. یعنی صدقی که در او نفعی نیست. در نتیجه به بحث ما ربطی ندارد.

۲. اگر هم به معنای دوم بگیریم، معنایی که با بحث ما ربط پیدا می‌کند، یعنی صدقی که مالت را از دست درمی‌آورد، (ضرر به معنای خاص). قاعده می‌گوید صدق ضار را تحمل کن یا دروغ بگو. اکنون باید ببینیم چه کسی گفته است به این قاعده‌ی مستحب می‌شود و یا نمی‌شود عمل کرد؟

این مطلق می‌گوید که هر جا امر دایر شد که راست بگویی و ضرر بکنی و دروغ بگویی و مشکل برایت پیدا نشود، مستحب است که راست بگویی و ضرر را متحمل بشوی. این مطلق تخصیص خورده است. در باب قتل و جاهای دیگر که می‌گوید باید ضرر را دفع بکنی، پس مقید است و از اطلاق بیرون می‌رود و در موارد دیگر رعایت می‌کنیم. پس نیاز نیست که این را حمل بر ضرر یصیر بکنیم.

در نتیجه باید رعایت مطلق و مقید بکنیم. وقتی این رعایت را انجام بدهیم، مانعی نیست که به‌طور کلی بگوییم تحمل ضرر بهتر است.

این دو جوابی است که دو بزرگوار به مرحوم شیخ (ره) داده‌اند.